

## جنون جنسی!

و در چند هفته‌ایکه گذشت دیدگان ما بجمال يك رنگین نامه دیگری روشن گردید !! الحق والانصاف باید چاپ این مجله را سرآغاز تحولی شگرف در عالم مطبوعات ایران بحساب آورد !!

اینجانب از طرف تمام جوانان مجرد که تا کنون مبالغ گزافی صرف خرید مجله‌های سکسی خارجی از قبیل «پلی بوی...» می‌کردند از کارکنان دلسوز و خیرخواه سپاسگزاری می‌کنم چون با این نام بزرگ خود خدمتی بس بزرگ به نسل منحرف و بدبخت امروزی کرده‌اند ...  
در صحنه زندگی همه چیز داشتیم جز يك مجله سکسی که آنهم بزیور طبع آراسته گردید ..

این مجله بقول گردانندگان آن ، علمی ، اجتماعی ، ادبی و هنری ... می‌باشد ولی واقعیت آن جز يك سلسله عکس‌های شهوت - انگیز و يك سری مقالات زننده و منافی عفت باضافه يك مشت داستانهای دروغ و ساختگی نیست ، ایکاش بهمان عکس‌های زننده‌ای که سرتاسر رنگین نامه را پر کرده اکتفا می‌کردند و جوانهای معصوم و بیگناه را با این عکس‌ها و تصویرهای لئنتی ، بحال خود باقی می‌گذاشتند ولی جای تاسف اینجا است که پائین عکس هر رفاهه و .. شرحی راجع باندازه لب و شانه و .. دارد و باز ایکاش بهمین نیز اکتفا می‌نمودند و دیگر بوسیله مقالات و داستانهای ساختگی باین آتش دامن نمی‌زدند گاهی چادر را تحت عنوان « دختر ایرانی از چادر نماز تا مینی شورت » بباد مسخره می‌گیرد و گاهی يك پسر معتقد بدین و مذهب را بعنوانین مختلف در پیش يك پسر هیپی و لایه‌الی سرزنش و

تحقیق می‌کنند و از همه بالاتر در شماره نهم این رنگین‌نامه در مقاله‌ای با کمال صراحت می‌نویسد: پرده بکارت جز و سرمایه دختر نیست و دختری که باند داشتن گوهر عفت بخانه شوهر می‌رود، شوهر حق اعتراض باو را ندارد! سپس این نویسنده چنین نشخوار می‌کند: در فرانسه دختری که بالغ است شرم دارد بدوست پسر خود بگوید من با کره هستم!!

شما را بخدا ملاحظه کنید چطور می‌خواهند دخترها و پسرها را فاسد کنند، این فرومایه‌ها می‌خواهند یک عده دختر را که لاقل بخاطر حفظ و نگهداری بکارت خود، از رفتن دنبال هرزگی و بی‌عفتی خودداری می‌کنند و شاید گوهر عفت آنها سدی، در مقابل انحراف آنها است بدینوسیله منحرف کنند، می‌خواهند ترس ازدست دادن این پرده نجابت و پاکدامنی را در این گونه دختران از بین ببرند تا همه دختران بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، و بدون هیچ دلهره‌ای باغوش پسرها پناه ببرند و فاسد و بدبخت شوند و بروسپاه کشیده شوند و آنان از انحراف اجتماع منفعت ببرند...»

تهران - «م - ک - ن»

\*\*\*

این نامه در دلد و سوزوتاب یک جوان ایرانی است که اخیراً بدفتر مجله رسیده و ما فرازهایی از آنرا از نظر خوانندگان گذرانیدیم. این نامه و نظائر آن نشان دهنده این حقیقت است که سیل خروشان و بنیان کن فساد و مسائل صد درصد سکسی و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی، جوانان و نوباوگان و نسل آینده و مقدسات ما را مورد تهدید جدی قرار داده است. رقابت‌های سختی بین بعضی از مطبوعات وجود دارد بطوری که هر یک از آنها سعی می‌کنند در مسأله انحراف جوانان گوی سبقت را از رقبای خود بر بایند!

البته مقصود اصلی گردانندگان و نویسندگان این قبیل مطبوعات معلوم است، آنها می‌خواهند بهر طریقی که شده حتی باسوق دادن جوانان ما بسوی بدبختی و فساد، پول و ثروت زیاد تر و شهرت بیشتری بدست آورند و ضمناً از رقبتای غربی خود نیز عقب نمانند! ولی مسأله قابل تاسف اینک که چرا باید باینگونه مجلات منحرف که وظیفه مقدس ارشاد و هدایت افکار را فدای اعمال ننگین و سودجویانه خود می‌نمایند؛ اجازه انتشار و فعالیت داد؟ مگر نه اینست که یکی از عوامل بنیادی این همه فجایع و جنایات و بی‌عفتی‌ها که در گوشه و کنار این مملکت رخ میدهد و مانمونه‌های آنها را در صفحات روزنامه‌ها تقریباً هر

روزی خوانیم ، این گونه مجلات و رنگین نامه‌ها که آزادانه در میان جوانان پخش می‌شوند می‌باشد .

آیا بهتر نیست از موج عسبان و خشونت غیر قابل کنترل و بی بندوباری و فساد که در میان جامعه اروپا و آمریکا پیدا شده و رفاه و آسایش و آرامش و امنیت عمومی را از آنان ملب کرده است درس عبرت گرفت ؟

ناگفته پیدا است که سطح معنویات ، بخصوص در سالهای اخیر ، پائین آمده ، فضائل و خوبیهای نیک انسانی ، جای خود را باعمال زشت و ناپسند داده ، از باب نمونه بهتر است جریان شکایت زنی از دست مردی ، بشورای داوری اهوازرا در زیر مطالعه فرمائید :

جوانی بنام ... که در همسایگی ما زندگی می‌کند ، هر روز بدون برتن داشتن حتی يك تکه لباس در خانه ، رفت و آمد می‌کند و بهیچ وجه در فکراین نیست ، که من و چهار دختر جوانم همسایه او هستیم و کاروی خلاف ادب است ، این جوان خیال میکند ما در عصر حجر بر سریم بریم به جهت نسیج و جیاس سرش نمی‌شود ... آن مرد نیز در جواب شکایت آن زن می‌گوید : « من از دام زیبایی دارم ! که بقول رفقایم شبیه اندام « الویس پریسلی » است و این خانم گراژمن شکایت کرده باین علت است که چشم ندارد اندام « الویس پریسلی وار » مرا ببیند !! » .

این نوع استدلال که شما ملاحظه می‌فرمائید ، طرز تفکر يك فرد مسلمان ایرانی نیست بلکه طرز تفکر يك فرد اروپائی و آمریکائی است که از طریق مطبوعات و سایر وسایل تبلیغی در مغز این جوان و سایر جوانان همفکر او رسوخ کرده است زیرا مسائل سکسی و جنون جنسی در بعضی از ممالک ، راستی خطری بزرگتر از خطر بمب اتمی پیش آورده است و نه تنها ازدواج و خانواده و تربیت کودکان و سایر مقدمات را در آن ممالک بخطر انداخته بلکه فاجعه بزرگ بی بندوباری و هرزگی و فساد را نیز بدنبال خود آورده است .

چنانکه طبق آمار موجود در آمریکا در يك سال بیش از دو بیست هزار طفل غیر قانونی بدنیآ آمده که در حدود صدوده هزارشان از دختران شوهر نکرده متولد شده‌اند و نگهداری و تربیت آنها بعهده شیر خوار گاه بوده ، بتصدیق بیست و پنج کنفرانس جهانی زنان ، اغلب افرادی که از کانون گرم خانواده و مهر مادر و محبت پدر بهره‌ای نبرده‌اند قاتل و جانی و بداخلاق و منحرف با دمی آیند (۱) .

انحطاط اخلاقی و فساد در جامعه آزاد آمریکا ، بزرگترین مشکل اجتماعی را برای

متفکرین علوم اجتماعی بیار آورده است بطوریکه طبق آمار معتبر در یکسال چهارصد هزار دختر فریب خورده و بورطه فساد کشیده شدند ، نه تنها در آمریکا بلکه با فریب دادن سیصد و هفتاد و پنج هزار دختر! در آلمان و سیصد و نود هزار دختر در فرانسه و دویست و پانزده هزار دختر در انگلستان بزرگترین فاجعه جنسی را در آن ممالک بوجود آورده است!

\* \* \*

دقت در این آمار و حشمتناك « در ممالك صنعتی » بخوبی نشان می دهد که پیشرفت صنعت و تکنیک منهای فضیلت و معنویت هرگز نمی تواند سدی محکم در مقابل فساد ، خشونت و عسیان بوده باشد .

ولی با وجود این همه عسیان و بی بندوباری جوانان غربی ، مقامات مسئول بعضی از ممالک ناچار شده اند در اثر فشار افکار عمومی ، از توزیع و انتشار بعضی از مجلات سکسی از قبیل مطبوعات «پورنوگرافی» که حاوی نمایش اعمال جنسی و تبلیغ امور جنسی می باشد جلوگیری کنند :

« وزیر دادگستری آلمان باختری در این مورد میگوید : از جمله وظایف دولت یکی این است که قوانین مربوط باخلاق و معنویات مردم را محترم بشمارد و از آن ، حفاظت بعمل آورد و اگر قانون ممنوعیت «پورنوگرافی» مؤثر واقع نشده ، علت کوتاهی و سستی دستگاههای دولتی بوده است .»

وی اضافه کرد : «طبق آمار موجود ۷۲ درصد مردم موافق ممنوع ساختن مطبوعات غیر اخلاقی هستند . سپس میگوید : ملت آلمان باید توجه داشته باشد که آیا مایل است بعنوان ملتی با فرهنگ ، در جهان باقی بماند یا اینکه می خواهد بدوران بربریت برگردد» .

و اینهم قسمت دیگری از نامه مزبور از طرف جوانی متعهد برای هشدار ملت و شاید توجه مقامات مسئول :

در پایان من بنام يك جوان ایرانی از این بی بندوباری مطبوعات رنج می برم و از مسئولین امر و کسانی که در مقابل این بی بندوباری احساس مسئولیت میکنند با کمال احترام تقاضا می کنم اجازه ندهند هر شیادی برای سود مادی خویش دست بهر کاری بزنند و راضی نشوند یکمده خائن به مملکت و دین ، که انگار قسم یاد کرده اند هر چه زودتر ما را چون غریبهها بیچاره کنند و بگرداب گناه بکشند ، هر کاری که میخواهند انجام دهند و هر چه میخواهند بنویسند و چاپ کنند ...